احمدرضا مهاجر، فعال فرهنگی و آسیب‌شناس اجتماعی:

نتیجه الگوپذیری نوجوانان از شاخ‌های اینستاگرامی جز افسردگی و سرخوردگی نیست

الگوپذیری یعنی رفتار یک فرد یا یک گـروه، محرکی برای نگرش، رفتار و افکار شخص یا اشخاصی دیگر قرار گیرد. درواقع الگوپذیری به معنی پیروی از یک مدل و راهنمای عمل در رفتار و کردار است. همین چند جمله کافی است تا اهمیت انتخاب الگو برای ما آشکار شود. شاید الگـوسازی دربرگیرنده همه اقشار جامعه باشد، اما در قشر جوان و نوجوان بیش از هر قشر دیگری چنین نیازی احساس می‌شـود، چراکه خصلت کمال‌گرایی در این قشر بیشتر از اقشـار دیگر جامعه است و می‌خواهند خودشان را به آنهایی که انتخاب کرده‌اند، برسانند.

به گفته کارشنـاسان برای انتخاب الگو دو روش وجود دارد؛ اولین نوع آن الگوی زنده و حاضر اسـت، یعنی آنهایی را که جوان و نوجوان از کودکی مشاهده کرده و با آنها زندگی کرده که شاخص‌ترین و نزدیک‌ترین این مورد همان والدین هسـتند. مدل دوم استفاده از الگوهای نمادین مانند شخصیت‌های دینی، مذهبی و قهرمانان ورزشی است. بنابراین نقش والدین به دو جهت بسیار پررنگ و محسوس اسـت. اول اینکه آنها نخسـتین الگوی انتخاب شده برای فرزنـدان شـان محسـوب می‌شـوند، دیگر اینکه می‌توانند راهنمای انتخاب درسـتی برای الگوهای نمادین باشند.

احمدرضا مهاجر با بیش از ۲۶ سال فعالیت در حوزه آسـیب‌های اجتماعی به این مهم تأکیـد دارد که والدین اولیـن افراد و مؤثرترین افراد در بحث الگـو-انتخاب الگو، تأثیر پذیری الگو و تغییر الگوها هسـتند. چراکه فرزندان مل قبل از هر انتخابی رفتار و کردار والدین را می‌بینند و آن را می‌آموزند. بنابراین در سنی که میل به انتخاب الگو دارند، نمونه‌ای را انتخاب می‌کنند که نزدیک به همان رفتار والدین باشد. وی معتقد اسـت برای هر تغییری اگر لازم باشد ابتدا باید خود والدین تغییر کننـد. سـپس با احترام به باور و خواسـته‌های فرزندان می‌توانند آنها را در انتخاب الگوی درسـت راهنمایی کننـد. او درباره همانندسـازی غلط نوجوانان با الگوهایی مانند سلبریتی‌ها می‌گوید: «امروز والدین آداب و اصول رفتار مناسب با یکدیگر و فرزندان‌شان را بلد نیسـتند. آداب کلامی را نمی‌شناسـند و تمام الگوی پدر و مادر شده اسـت همان وسـیله یک وجیبی که تلفن همراه نام دارد. آنها با رسال اسـتیکر کلام را منتقل می‌کنند. پس چطور می‌توان احسـاسـات، عواطف و وجـدان را انتقال داد. وقتی اسـتیکرهای خشـک و بی‌روح و بدون خلوص فرسـتاده می‌شود! در واقـع آداب رفتار با این وسـیله یاد گرفته‌نشـده اسـت، حتی خود والدین فکر می‌کنند همه الگوها در همین وسیله یک وجیب دسـتی اسـت و عواطف واقعی به یکدیگر فراموش می‌شـود

نقش والدین در الگوپذیری فرزندان چیست؟

اگر بخواهیم رابطه بین والدین صحبت کنیم باید گفت مهربانی، انسان بودن، مسـئول بودن و در اندیشه سرنوشت فرزند بودن جزء وظایف انسانی والدین اسـت. حال اگر این والدین در خانواده‌ای پرورش پیدا کرده باشند که در آن خانواده الگوها آموزش داده نشده است باید الگوها را تغییر دهند. اگر این الگوها تغییر پیدا کرد فرزندان هم الگوهای‌شان را تغییر می‌دهند و این موضوع ربطی به سن و سال نیز ندارد. نکته دیگر حمایت والدین است که همان حمایت پرودگار است. پس باید در مسیر مهربانی باشد. احترام گذاشتن نیز فضایی است که همه به آن احتیاج داریم اما امروز در خانواده‌ها کم‌رنگ شده است. زمانی می‌رسد که از یکجایی به بعد مجبور شویم الگویمان را تغییر دهیم چون نظام طبیعت دیگر به ما اجازه داده نمی‌دهد. از آن تبعیت کنیم. به طور مثال فرزندی که به خاطر پذیرش و تبعیت از یک الگو دوستانش را از دست می‌دهد، بنابراین باید الگویش را تغییر دهد.

در ادامه به گـفته کلماتی که با ت« شـروع می‌شـوند، اشاره می‌کنم که می‌تواند ما را در مسئله الگوپذیری و تغییر الگوها یاری کند. آن کلمـات تغییر، تجربه و تلاش اسـت. تجربه نمی‌شویم و ترس هم نداریم چون به خالق هسـتی که برگـرتین حامی ماسـت باور داریم. این باور باید باشد چون ایمان داریم و ترسی نداریم و تسلیم هم نمی‌شویم؛ به همین اشاره از هیچ طوفانی نمی‌ترسیم. ولی این باور باید نمی‌کند و باور ندارد که می‌تواند بدون حمایت دیگران و فقط درسایه توکل به خدا چیزی بسازد.

بهترین الگویی که می‌توان به جـوان و نوجوان معرفی کرد چه الگویی اسـت؟ اینطور که شـما می‌فرمایید خود والدین می‌توانند بهترین الگو باشند، درست است؟

بله دقیقاً والدین و رفتار آنها اصلی‌ترین الگوسـت. اگر امروز در اتاق فرزندان عکس خوانده یا هنرپیشه‌ای را می‌بینیم، ظاهر فرزندم را اذیت کنم؛ این فرزند در دهه دوم زندگی‌ش چون با الگوی خشونت بالا آمده اسـت شروع به واکنش‌های خشن می‌کند. او به لحاظ سلامت روان دچار اختلال می‌شود چون فقط همان خشونت را بلد اسـت یاد بگیرد و اسـتراتژی می‌رود.

چطور می‌توان الگوی خوب و سـالم را به جوان و نوجوان معرفی کرد؟

باید خودمان را ببینیم. اگر مشکلی دارند باید اصلاح کرد. چراکه آنها به همان دنیای خودشان باور دارند پس باید همان دنیا را به آنها معرفی کنیم، بعد آهسـته آهسـته او را در مسـیر انسانیت واقعی قرار دهیم. نباید اعتقادات و باورهایمان را جبار کنیم، آن وقت به حاشیه می‌رویم. ممکن اسـت در این مسـیر با نوجوانانی روبه‌رو شویم که نگرش‌های دیگری دارند، ولی بایستید باور مشترک، یعنی انسانیت هسـتند. مثل قوانین راهنمایی و رانندگی که در همه کشورها یک حرف می‌زند، مثلاً چراغ قرمز در ایران و هر کشور اروپایی دیگری از یک قانون تبعیت می‌کند. باید با رفتارها و حتی روابط کلامی و غیرکلامی به این عزیزان آموخت که در مسیر اصلی جلو بروند و اگر نروند آسیب می‌بینند. باید بدانند که نمی‌توانند قانون طبیعت را به هم بزنند چون نظام دارد. از طرفی آموزش‌ها باید با یک خـراک سـاده باشـد تا جذابیت پیدا کند. مثلاً موضوع تجاوب و پاکدامنی را باید در فاصله‌های اخلاقی به جوان آموخت تا آن را درک کند. البته اینکه برای اثرگذاری یک الگو نیاز به زمان اسـت و ممکن اسـت ماه‌ها طول بکشد تا یک الگو اثر کند. تغییر آن هم نیاز به زمان دارد تا فرزند رام گیرد.

در صـورت انتخـاب الگـوی غلط ماننـد برخی سـلبریتی‌های داخلی و خارجی، راه درسـت و منطقی خروج و ترک آن انتخاب چیست؟

وقتی می‌خواهیم درباره الگوها با فرزندان‌مان صحبت کنیم باید بدانیم هر کدام از آنها در هر دهه سـنی خود یک الگویی را می‌پذیرند و گاهی این دهه تقسـیم بر دو می‌شود و هر کدام از این دهه نیز برای خودش الگوی دیگری دارد. حتی ممکن اسـت سال به سـال یک تعریف برای الگو داشته باشند. بعد از این شـناخت باید بدانیم در کلام خانواده پرورش یافته و در چه محیطی و با چه افرادی معاشرت داشته اسـت. این نشان از نقش تأثیرگذار والدین دارد. البته باید گفت درمان واقعی از خود والدین شـروع می‌شـود. اینجا باید الگوهای والدین را تعریف داد و بعد فرزند را کمک کرد. والدین اگر فرزندان‌شان را ببینند و بشنوند آن وقت فرزندان نسـبت به خیلی از مباحث احترام بگذارند حتی اگر نظر آنها غلط باشد، چراکه باید بدانند این نظر و باور آنهاسـت. طبق قانون گفتار می‌توانند با کلام جذاب او را نسبت به قبول خیلی از خوبی‌ها متقاعد کنند. در غیر این صورت دنیای روابط به هم می‌خورد و الگوی غلط وارد زندگی فرزند می‌شود.

در اثرگذاری سـلبریتی‌ها دو گونه دارم. اولین مفهوم اینکه خودتان را در گیر ماجـرایی خاص می‌کنید که همین دلیل رفتارهایی انجام می‌دهد که مخاطبین او را بخواهند و متأسـفانه بسیارهم اثرگذار اسـت. دیگری اسـتهایی هسـتند که به خاطر اسـتایت معروف می‌شوند. رفتارهای انجام‌شده توسط دنبال مخاطب هم نیسـتند، اما بعد از مدتی معروف می‌شوند مانند مردم تختی.

الگوی اول پایه و اسـاس ندارد و تنها یک نفر اسـت در شـبکه مجازی دنبال من هستی و هیچ محتوایی ندارد. حال برای نشان دادن الگوی درسـت و ترک الگوی غلط، باید سطح آگاهی را بالا آورد، اما چطور؟ با شعار نمی‌شود. بچه‌ها را باید دید، شنید و باور کرد آن وقت الگوی غلط خود به خود پاک می‌شـود و کنار می‌رود.

به نظر شـما در بحث الگوپذیری مشـکل اصلی چیسـت و کجای کار می‌لنگد؟

دنبال فهمانیدن هسـتیم. از این غافل هسـتیم که اگر نسلی پرورش پیدا کند دیگر دنبال افـراد منفی نمی‌رود. در واقع با پرورش نسـل اسـت که عزت نفس و خودارزشـمندی ایجاد می‌شـود و اعتماد بین نوجوان و انسـان‌های دیگر به وجود می‌آید. از همه مهم‌تر اعتماد به خود اسـت. خلاف آن وقتی است که نفسی پرورش پیدا نکند، پس دیگر احترام نمی‌گذارد و به چیزی که می‌بیند فکر نمی‌کند ارزش شـنیدن و دیدن دارد پا نه؟ باید فرزندان به این نقطه برسند او باید بفهمد که عمر و زمان گذشته‌اش را صرف چه کار و چه کسی کرده است. باید وجدان او را بیدار کرد.

آیا برای پرورش نسل می‌توان از قواعد الگوسازی بهره برد؟

بله تا حدی نقش کمک‌کننده دارد. لازم اسـت در اینجا به همسـان‌سازی اشاره شـود. اگر نوجوان الگوهای انسانیت را با شـبکه‌های مجازی تطبیق دهد آن وقت نقش او پرورش می‌یابد و خردش بالا می‌آید. خرد که بالا آمد سـطح آگاهی رشد می‌کند. البته باید گفت سـطح آگاهی نیز با آموزش هر روزه رشد می‌کند.

حالا که صحبت از همسـان‌سـازی شـد، نظرتان درباره این موضوع که گاهی همین همسان‌سازی نتیجه عکـس می‌دهـد و موجب افسـردگی و فردگرایی در نوجوان می‌شـود، چون نمی‌تواند خودش را مانند فرد مورد نظر کند، چیسـت؟

بازیه رفتار والدین اشاره می‌کنم. وقتی آنها بفاصله بعد از بیدار شدن سراغ گوشی می‌روند و قبل از بیدارکردن فرزندان‌شان آن را روشن می‌کنند از فرزند چه انتظاری می‌رود؟ در واقع آداب رفتار با این وسیله یاد گرفته نشده اسـت. حتی خود والدین فکر می‌کنند همه الگوها در همین وسیله یک وجیب دسـتی است به همین دلیل انتقال احسـاسات و عواطف واقعی به یکدیگر فراموش می‌شـود.

وقتی والدین بلافاصله بعد از بیدارشدن سراغ گوشی می‌روند و قبل از بیدارکردن فرزندان‌شان آن را روشن می‌کنند، از فرزند چـه انتظاری مـی‌رود؟! در واقـع آداب رفتار با این وسـیله یاد گرفته‌نشـده اسـت، حتی خود والدین فکر می‌کنند همه الگوها در همین وسیله یک وجیب دسـتی است به همین دلیل انتقال احساسات و عواطف واقعی به یکدیگر فراموش می‌شـود

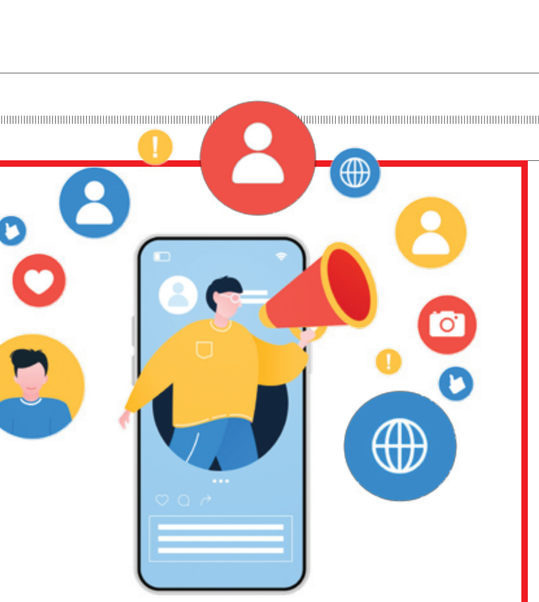

چالش الگوپذیری و خطاهای شناختی نوجوانان در انتخاب الگو

وقتی سلبریتی‌های ساحره فرزندان‌مان را جادو می‌کنند!

حسین گل‌محمدی

امروزه بسیاری از والدین از شبح شدن فرزندان نوجوان خود نگرانند! آنان می‌گویند: «فرزند نوجوان‌شان در خانه تبدیل به یک شبح شده است، یکسره در اتاق دربسته خود است و گاهی فقط برای خوردن یا قضای حاجت از اتاق بیرون می‌آید، انگار که جادو شده است و به زور می‌توان با او گفت‌وگو کرد و چند جمله از زباش بیرون کشید. رفتار و گفتار، پوشش و مدل مو و آرایش او هم عجیب و غریب شده است!» در پاسخ به این دسته از والدین باید گفت: شما مـأسـفانه خبر ندارید که او از زندگی اول و اصلی خود فرسـنگ‌ها فاصله گرفته و در زندگی دوم و مجازی خود غرق شده است. او یک لحظه از تلفن همراه خود که شهر مجازی اوسـت، جدا نمی‌شود و مدام در اتاق‌های چت به سر می‌برد. شوربختانه باید گفت زندگی دوم او برایش به مراتب جذاب‌تر بوده و تبدیل به واقعیت زندگی او شده است. فضای مجازی بر از چهره‌های جذاب و شگفت‌انگیز برای اوست و طبیعی است که در چنین فضایی در یک پژوهش با عنوان «بررسی سلبریتی‌سازی در رسـانه و بحران هویت نوجوان در جامعه» که به کوشـش مصطفی کوچک‌زایی، مجیدرضا فیضیان و محمدحسـین شاه‌آبادی، پژوهشگران اندیشکده تربیت، رسانه و تمدن پژوهشگاه شهید هشت‌دارآماده شد که حضور نوجوانان و جوانان در اتاق‌های چت به عنوان «زندگی دوم»، زندگی اول آنان را به مخاطره انداخته و مهارتی زیادی از گزینش و وقت نوجوانان را به خود اختصاص داده است. «گک گایر» ورود ابزارهای رسانه‌ای را به ورود بیگانه تعبیر کرده و می‌گوید: به طور متوسط هر شـش روز در هفته، بیگانه‌ای به اتاق‌های چت پا می‌گذارد که آزادانه در فضای مجازی با فرزند شما گفت‌وگو می‌کند. این امر باعث شده تا ناخواسته متناسب با هیجان نوجوانان، افرادی به نام سلبریتی الگوی عدهای از نوجوانان شوند و ارزش رفتاری آنان رقم بزنند. در واقع رفتار سلبریتی‌ها می‌تواند جایگاهی برای ارائه تمامی رفتارهای ظاهرآ ساده و پیش پا افتاده، ولی مهم در زندگی خانوادگی با اجتماعی نوجوانان باشد.

دهنادی تأکید می‌کند: در شرایطی که کشور رو به پیری است و روزبه‌روز به تعداد پیرزن و مردهای تنها افزوده می‌شود، اگر در ایام کرونا فضای مجازی نبود چند نفر حال بدی روانی پیدا می‌کردند؟ چند نفر که تا قبل از کرونا با فرزندان خود زندگی می‌کردند و رفت و آمد داشتند به خاطر این بیماری مجبور به قطع دید و بازدید شـدند و به مدد فضای مجازی حال روحی‌شان حفظ شـد و دق نکردند. فضای مجازی برای این دسته نجات‌بخش بود. این فضا حتی آموزش و پرورش را نجات داد. پس بهتر اسـت از سـیزنر با فضای مجازی دسـت برداریم، بلکه درباره مباحث صحبت کنیم و تمام نکات مثبـت و منفی و ضعف‌هـا و قوت‌ها را بیان کنیم، چراکه از قبل همین فضای مجازی بسیاری از افراد کسب درآمد می‌کنند، خیلی‌ها در همین فضای مجازی می‌توانند از سخنرانی‌های مذهبی اسـتفاده کنند. پس فضای مجازی مانند سـایر حوزه‌ها دارای حسن‌ها و ضررهاسـت. اما یکی از اسـیب‌هایی که صنعتی شدن فضای مجازی ایجاد می‌کند: این اسـت که از طریق قضاوت‌های ناروا برای فرد افسـردگی به بار می‌آورد. این هم راه‌حل دارد و اینکه به جای مطالب مندرس در کتاب‌های درسـی، سـواد رسـانه‌ای را آمـوزش بدهیم.

دهنادی در خصوص نقش الگوپذیری در آینده و زندگی نوجوانان می‌افزاید: الگویی را که جوانان انتخاب می‌کنند مجموعـه‌ای از ویژگی‌های خوب، مورد علاقه، افرایش‌دهنده حرفه‌ای نفس، آرامبخش و فعال کننده انرژی‌های درونی انهاسـت. الگوهای مطلوق جراغ راه زندگی جوانان محسـوب می‌شـود و در آنها پویایی، انسجام رفتاری، اخلاق و الگوهای ارزشمند را می‌پروراند و آنها را پیش می‌برد. اگر جوانان الگوهای تربیت یافته، دارای رفتارهای سازنده و عامل پیش برنده به سوی خوبی‌ها را انتخاب کنند، آینده خود را بسیه می‌کنند و شادی درونی، احساس ارزشمندی و مفید بودن را در آنها خواهیم دید.

علیزاده کوه‌کنان در پاسـخ به نقش والدین در الگو پذیری صحیح جوانان و نوجوانان و فرزندان تصریح می‌کند: مشـاهده رفتارها، سودمندترین الگوها برای فرزندان اسـت. در یادگرفتن الگوهای والدین از سـوی فرزندان در یک خانواده این فرایند اتفاق می‌افتد که ذهن نوجوان از آن را تحلیل می‌کند و رفتار شکل می‌گیرد. اگر والدین خود الگوی خوبی باشند و فرزندان خود را دوست داشته‌باشند و فرزندان در کنار آنها احسـاس ارزشمندی بکنند، انتقال الگوها به آسانی اتفاق می‌افتد. اما اگر در الگوها و رفتارها تحقیر، تهدید، توهین، تنبیه و موسیقی‌های بی‌سر و ته و بی‌محتوای غرب زده روی نمی‌آورند. باید در این زمینه هزینه کنیم، کار را به متخصصـان بدهیم و کار علمی طولانی مدت انجام دهیـم. در غیر این صـورت توفیقی نخواهیم داشت.

دهنادی می‌گویـد: فضـای بین‌المللـی تولید اینیمیشن و محتوا در فضای مجازی فضای متأثر از دانش رسانه است و اکثریت رسانه‌ها از صداوسیما گرفته تا مطبوعات با مدیریت کسـی که رسانه خوانده باشد، پیش نمی‌رود، بلکه عمدتاً ازسوی کسانی که رشته‌ای غیر مرتبط دارند اداره می‌شود و در این صورت نباید انتظار کار تخصصی داشته باشیم.

وی می‌افزاید: مـا نویسـندگان و انیمیتورهای حرفـه‌ای داریم و مشـکل ما مشـکل مدیریت فرهنگی است که به دست کسانی سپرده شده که از کنار فرهنگ به صورت گذری هم عبور نکردن. چه برسـد به اینکه در سـازمانی که می‌خواهد محتوا بسازد تخصص داشته باشد. عمده مدیران کلان در حوزه فرهنگی از بخش‌های غیرفرهنگی هسـتند. در سازمان‌های مختلف هم وضع همین است. زمانی که مجموعه‌های فرهنگی را به جای نظام فرهنگی هنری با دیدگاه سیاسـی، چینش مدیریت کنند در نهایت به مسئله عدم انگیزه خروجی غیر رقابتی مجموعه‌های رسانه‌ای و فرهنگی می‌رسیم.

دهنادی می‌افزاید: ما مشکل داستان نداریم، اما متأسفانه امروز بسیاری از سـریال‌ها و فیلم‌های به جای اینکه به قلم یک نویسـنده باشـد از سـوی کارگردانی نوشته شده که تخصص نسبت ته نوشتار و هیچ قانونی هم وجود ندارد که چه در سـینما و چه صداوسیما به سراغ ادعای تخصصی بروند. باید از حلقه‌های فاسدی که فضای فرهنگ را فرا گرفته و به جای اینکه کار تخصصی کنند کار سیاسی و غیرتخصصی می‌کنند فاصله بگیریم تا امکان رقابت فراهم شود.

دکتر محمدصادق دهنادی، معاون بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای:

۷۰ درصد بازار کتاب نوجوانان ترجمه‌های غیر مجاز و داستان‌های کره‌ای است

معاون بنیاد ملی بازی‌هـای رایانه‌ای درباره تبعـات ناتوانی نوجوانان در پیروی از الگوی مجازی می‌گوید: نباید اینطور گمان شود که رسانه فقط مجازی است و از بسـتر فضای مجازی الگوهایی نامناسـب شکل می‌گیرد. آیا می‌توان تأیید کرد الگوهایی که در صداوسـیما وجود دارد، الگوهای مناسبی هسـتند و مانند فضای مجازی الگوهای نامربوط در صداوسیما وجود ندارد؟ حتی روزنامه‌ها و کتاب‌ها می‌توانند الگوی نامناسـبی ارائه دهد. حدود ۷۰ درصد بازار کتاب را ترجمه‌های غیرمجاز و داسـتان‌های کره‌ای اشـباع کرده که حتی تعریف‌شـان از عشق درست نیسـت و بدون رده‌بندی برای نوجوانان و جوانان عرضه می‌شـود. این مسـئله می‌تواند نگرانی بزرگی را ایجاد کند و نمی‌توان به ادامه این مسئله خوش‌بین بود.

مقایسه‌های ناروا با زندگی اینفلوئنسرها آسیب‌زاست

محمدصادق دهنادی، معاون بنیاد ملی بازی‌هـای رایانه‌ای تحت‌نظر وزارت ارشـاد درباره انتخاب الگو از فضای مجازی می‌گوید: مهم‌ترین مسئله‌ای که زندگی قاب شده افراد به اصطلاح اینفلوئنسر در فضای صنعت رسانه به صورت خاص برای نوجوانان و جوانان و به صورت عام برای خانواده‌ها ایجاد می‌کند، این اسـت که در فضای ذهنی و فکری آنها مقایسه‌های ناروا به وجود می‌آورد و این مقایسه‌ها باعث شکل‌گیری یک نوع نارضایتی از زندگی می‌شود.

وی می‌افزاید: نارضایتی از زندگی آنها مختلفی دارد و شـامل افـسردگی، تضادها، کشش‌ها و واکنش‌های خیلی خشونت‌بار با خانواده و تمایل به بزهکاری اسـت. این تصور که نوجوان با دیدن یک اینفلوئنسر شبیه او می‌شود یک تصور ابتدایی اسـت و این قضیه ابعاد پیچیده‌تری دارد. حتی گاهی در ضدیت با او قرار می‌گیرد. گاهی نیز گمان می‌کند مانند فرد مورد نظری که دنبال می‌کند، می‌تواند به شهرت و ثروت برسد. یک سری از بلاگرها اصلاً کارشان تبلیغات است و خانه‌های شیرین را جلوه می‌دهند و همین به نارضایتی‌های گسـترده منجر می‌شود، چراکه برخی تصور می‌کنند زندگی یعنی همین همبشفر رنگی، شاد و خندان، این اتفاقات از کسی که سـواد کافی را در فضای مجازی ندارد شخصیت بسیار نارضایی و افسرده می‌سازد.

نیاز به پژوهش‌های عمیق داریم

دهنادی با تأکید بر اینکه اسـتفاده از واژه اگو چندان درست نیست، تصریح می‌کند: قاعدتاً ما همیشه کسی را دنبال نمی‌کنیم تا دنباله‌روی او باشیم. اگو کلمه‌ای است که اساساً مربوط به دوران جدید نیست. دوران جدید آدم‌ها به خاطر ریشه اومانیستی به سمت منحصر به فرد شدن خودشان می‌روند. پس اینطور نیسـت که کسی که فالوور رونالدو اسـت حتماً بخواهد شـبیه رونالدو باشد، اما نکته قابل توجه این اسـت که نوجوان و جوان هر گونه رفتارهای کسی که به عنوان اینفلوئنسر و بلاگر که معرفی کننده سبک خاصی از زندگی اسـت را دنبال می‌کند، اثرات بی‌تردیدی در حوزه ناخودآگاه او دارد و شـناخت او را از اطراف و اکناف دچار اخلال می‌کند.

وی می‌افزاید: اینها مباحثی اسـت که در فضای رسانه باید بدان پرداخته شود. نباید صرفاً زورنالیسـتی به این موضوع نگاه کرد، بلکه احتیاج به بررسی‌های طولانی مـدت و آزمایش‌های دقیق نورولوژی و گاهی نوار مغز اسـت و حتی گاهی احتیاج به پژوهش‌هایی اسـت که ۵۰ سـال طول می‌کشد تا به نتیجه و واکاوی برسد.

فضای مجازی نکنیم

دهنادی می‌افزاید: منظور این اسـت که الگوی غلط قصد در فضای مجازی نیسـت، بلکه فضای مجازی مانند دیگر رسانه‌ها می‌تواند بسترساز حال خوب و بد باشـد، فضای مجازی مانند بازی‌های رایانه‌ای مانند کتاب و موسـیقی می‌تواند موجب رشد افسردگی باشد.

دهنادی تأکید می‌کند: در شرایطی که کشور رو به پیری اسـت و روزبه‌روز به تعداد پیرزن و مردهای تنها افزوده می‌شود، اگر در ایام کرونا فضای مجازی نبود چند نفر حال بدی روانی پیدا می‌کردند؟ چند نفر که تا قبل از کرونا با فرزندان خود زندگی می‌کردند و رفت و آمد داشتند به خاطر این بیماری مجبور به قطع دید و بازدید شـدند و به مدد فضای مجازی حال روحی‌شان حفظ شـد و دق نکردند. فضای مجازی برای این دسته نجات‌بخش بود. این فضا حتی آموزش و پرورش را نجات داد. پس بهتر اسـت از سـیزنر با فضای مجازی دسـت برداریم، بلکه درباره مباحث صحبت کنیم و تمام نکات مثبـت و منفی و ضعف‌هـا و قوت‌ها را بیان کنیم، چراکه از قبل همین فضای مجازی بسیاری از افراد کسب درآمد می‌کنند، خیلی‌ها در همین فضای مجازی می‌توانند از سخنرانی‌های مذهبی اسـتفاده کنند. پس فضای مجازی مانند سـایر حوزه‌ها دارای حسن‌ها و ضررهاسـت. اما یکی از اسـیب‌هایی که صنعتی شدن فضای مجازی ایجاد می‌کند: این اسـت که از طریق قضاوت‌های ناروا برای فرد افسـردگی به بار می‌آورد. این هم راه‌حل دارد و اینکـه به جای مطالب مندرس در کتاب‌های درسـی، سـواد رسـانه‌ای را آمـوزش بدهیم.

فضای مجازی هم مانند سـایر حوزه‌ها دارای حسن‌ها و ضررهاسـت، امـا یکی از آسـیب‌هایی که صنعتی‌شـدن فضـای مجـازی ایجـاد می‌کنـد، ایـن اسـت که از طریق قضاوت‌هـای ناروا برای فرد افسـردگی به بـار می‌آورد. این هم راه‌حـل دارد و اینکـه به جای مطالب مندرس در کتاب‌های درسـی، سـواد رسـانه‌ای را آمـوزش بدهیم

فرهاد دوانقی، کارشناس رسانه:

سازندگان جهانی انیمیشن نوجوانان را نشانه گرفته‌اند

شخص الگوه به زبان ساده کسی است که بقیه دوسـتش دارند و او را تقلید می‌کنند یا از فرقه‌هایش الهام می‌گیرند. کارها و رفتارهای کسی که الگومی‌شود در نظر بقیه خوب و درست است و دوسـت دارند مثل او باشند. فرد الگو در حقیقت ایجاد انگیزه برای بقیه مطلوق بوده و اخلاق و رفتار خوب او باعث می‌شود، بهتر دیده شود، اما برای الگوسازی سـریعی‌تر باید گفت رسانه‌ها نقش تأثیر خاص خود را روی هویت، شخصیت‌پذیری و اجتماعی شدن جوان و نوجوان داشته باشند.

فرهاد دوانقی، کارشناس رسانه و مسـتندساز خانواده، اولویت و مهم‌ترین عامل برای الگوگیری بچه‌ها می‌داند و می‌گوید: اگر در حقانه احترام، مسـئولیت‌پذیری و عشق حاکم باشد فرزندان ما هم مهم را یاد می‌گیرند و این عشق و محبت آنها را در انتخاب الگو و تأثیرپذیری از الگو کمک می‌کند.

وی بعد از تماشای انیمیشن و همصالان، مدرسـه، مذهب و رسـانه را مهم می‌داند. چراکه ترکیب همه این موارد می‌تواند به شـکل‌گیری یک شـخصیت متعادل اجتماعی کمک کند. حال این سـؤال مطرح اسـت و آنکه فضای جهانی تولیدات رسانه‌ای به ویژه انیمیشن‌ها و بازی‌های رایانه‌ای چه میزان در الگوپذیری کودکان و نوجوانان تأثیر دارد و در این زمینه چگونه باید عمل کنیم؟ این کارشناس رسانه در پاسخ می‌افزاید این تولیدات به خاطر جذابیت زیاد و دسترسی راحت بین نوجوانان و جوانان محبوب واقع می‌شود، به همین دلیل روی نگرش و رفتـار آنها تأثیر به سـزایی دارد. کارآشنرهای قدرتمند و داستان‌های هیجان‌انگیز انیمیشن‌ها خیلی راحت الگوی آنها می‌شوند، به همین جهت برای جلوگیـری از تأثیرات منفی این قبیل تولیدات باید آنها را با کیفیت و جذاب تهیه کنیـم، به گونـه‌ای که فریـب نمونه‌های خارجی شوند. هنرمندان، نویسندگان، شاعران، تصویرسازان و فیلمسازان نیز نقش مهمی دارند. باید محتواهایی سرگرم‌کننده تهیه شود که هم ارزش‌های فرهنگی و هـم ارزش‌های اخلاقی را ترویج دهد. وی می‌گوید: باید روی تولید محتوای آموزشی و الهام‌بخش نیز تمرکز شود. انیمیشن‌ها و بازی‌های رایانه‌ای می‌توانند ابزارهای قدرتمندی برای آموزش مهارت‌های زندگی، تقویت خلاقیت و تشویق به رفتارهای مثبت باشند. داسـتان‌های جذاب و شـخصیت‌های الهام‌بخشی که بچه‌ها بتوانند از آنها الگو بگیرند و آموزش ببینند. این مسـتندساز بیان می‌کند عضو سازندگان جهانی انیمیشن‌ها ۱۲ تا ۲۱ سـال‌ها را نشانه‌گذاری و هدف‌گذاری می‌کنند. پس این نسل باید نسـبت به شـکل‌گیری یک شـخصیت متعادل اجتماعی کمک کند. حال این سـؤال مطرح اسـت و آنکه فضای جهانی تولیدات رسانه‌ای به ویژه انیمیشن‌ها و بازی‌های رایانه‌ای چه میزان در الگوپذیری کودکان و نوجوانان تأثیر دارد و در این زمینه چگونه باید عمل کنیم؟ این کارشناس رسانه در پاسخ می‌افزاید این تولیدات به خاطر جذابیت زیاد و دسترسی راحت بین نوجوانان و جوانان محبوب واقع می‌شود، به همین دلیل روی نگرش و رفتـار آنها تأثیر به سـزایی دارد. کارآشنرهای قدرتمند و داستان‌های هیجان‌انگیز انیمیشن‌ها خیلی راحت الگوی آنها می‌شوند، به همین جهت برای جلوگیـری از تأثیرات منفی این قبیل تولیدات باید آنها را با کیفیت و جذاب تهیه کنیـم، به گونـه‌ای که فریـب نمونه‌های خارجی شوند. هنرمندان، نویسندگان، شاعران، تصویرسازان و فیلمسازان نیز نقش مهمی دارند. باید محتواهایی سرگرم‌کننده تهیه شود که هم ارزش‌های فرهنگی و هـم ارزش‌های اخلاقی را ترویج دهد. وی می‌گوید: باید روی تولید محتوای آموزشی و الهام‌بخش نیز تمرکز شود. انیمیشن‌ها و بازی‌های رایانه‌ای می‌توانند ابزارهای قدرتمندی برای آموزش مهارت‌های زندگی، تقویت خلاقیت و تشویق به رفتارهای مثبت باشند. داسـتان‌های جذاب و شـخصیت‌های الهام‌بخشی که بچه‌ها بتوانند از آنها الگو بگیرند و آموزش ببینند. این مسـتندساز بیان می‌کند عضو سازندگان جهانی انیمیشن‌ها ۱۲ تا ۲۱ سـال‌ها را نشانه‌گذاری و هدف‌گذاری می‌کنند. پس این نسل باید نسبت به

کسـب مهـارت تشـخیص محتـوای مناسـب از جملـه مزایای سـواد رسـانه اسـت و باعث می‌شـود نوجوانـان الگوهای بهتـری را انتخاب کنند. از مزایای دیگر سـواد رسـانه می‌توان از ایجاد پناهگاه امن، انتخاب الگوهای مثبت و تقویت ارتباط بین والدین و فرزندان نام برد

مصطفی هاشمی‌نسب، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه:

نوجوانی که با والدین خود صمیمی نیست به الگوی آنها هم اعتماد نمی‌کند

گندم زمانی

به اعتقـاد یک جامعه‌شـناس خانواده‌ها بـدانیـد الگوپذیری زیربنای شخصیت فرد اسـت که در نوجوانی اتفاق می‌افتد و عطماً سـعادت و شـقاوت افراد تا حد زیادی وابسـته به آن است.

مصطفی هاشمی‌نسب، جامعه شـناس، استاد دانشگاه و مشـاور تربیتی با اشـاره به مقوله الگوپذیری جوانان و نوجوانان اظهـار می‌دارد: برای اینکـه بتوانیم موضوع را تبیین کنیم، ابتدا باید اشاره حداقلی به آن داشته باشیم. اولاً اینکه دوره نوجوانی حسـاس‌ترین دوره تلقی می‌شـود و با تغییرات سـریع در روح و روان و جسـم افراد همراه اسـت. این دوره با وجود پرسـش‌های مختلف در موضوعات گوناگون در ذهن نوجوان پیش می‌رود؛ از طرفی هم نوجوانی بسـیار مشـاهده می‌شـود بحث الگوهاسـت.

همین دلیل سلائق عاطفی و عشقی بروز پیدا می‌کند یا عزت‌طلبی را در آنها می‌بینیم.

به اعتقاد این جامعه‌شـناس اینجا دیگر باید به هم می‌دهد و شخصیت نوجوان دسـتخوش تغییر می‌شود تا جایی که نزدیک‌ترین افراد به این نوجوان از خصوصیت تعجب می‌کنند و چه‌بسا در شرایطی می‌شوند.

وی می‌افزاید: به خاطر همین تغییرات، روش مواجهه رفتار با نوجوان باید تغییر کند. البته این سرد رگمی فقط مربوط به خانواده‌ها نیسـت، بلکه جامعه و دسـتگاه‌های ذی‌ربط را هم شامل می‌شـود. به همین دلیل در موضع بیمـرو متناسـب با اقتضائات روز، سـنخ‌های رفتاری را تغییر می‌دهند. نوجوان امروز با نوجوان دهه ۶۰ متفاوت است پس شیوه‌های برخورد با او هم باید تغییر کند.

هاشمی‌نسـب تصریح کرد: یکی از مـواردی که در دوره نوجوانی بسـیار مشـاهده می‌شـ